

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهم

بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

استاد محمد نسیم "اسیر"

هندوگذر

یک آرزو

ز شکر این سعادت در دهان من شکر افتد
بچشم داده از کف روشنی، کحل البصر افتد
سر تعظیم خم سازم به هر جا تا نظر افتد
ز فرط اشتیاقم ره به هر کوه و کمر افتد
چه خوش بختی اگر چشمم به آن زیبا اثر افتد
سراغ از "سنتراشی" جانب هندوگذر افتد (1)
روم سوی خرابات و به دل شور دگر افتد
ز کوه "کاسه بُرج" ام لرزه بر اندام در افتد
بهر پیچ و خم آن کوچه یاری در نظر افتد (2)
که از راه چمن در زنده بانانم گذر افتد
که از نامش به جان دشمنان دون شرر افتد
از آن در کاه فروشی هم گذار مختصر افتد
زنم خشتی بسرگرخشت اوکم از شمر افتد (3)
در انجا هر که راهست در کف سیم و زرافتد
اگر غافل شود کس، کار و بارش در خطر افتد
که هر چه بیشتر گوئی به یادت بیشتر افتد
چه موزونست اگر روزی به آنسویم سفر افتد

اگر در کابل زیبا دگر بارم گذر افتد
به جان رفته از چنگم، دمد روح دل انگیزی
به یاد خاطرات کودکی و نو جوانی ها
ز کوه آسمانی تا به کوه شیر دروازه
قسم با شیر مادر، جوی شیرم یاد می آید
گاهی در شهر نو، گاهی به شهر کهنه بشتابم
به شور و شرجو بینم جمع و جوش شوربازارش
ز شا طاووس و از بالاحصار و خضرو پنجه شاه
گر از "دروازه لوری" روم سوی ریکا خانه
که از باغ علی مردان، قدم سوی چمن مانم
رواق عید گاهم می دهد یاد "امان الله"
سرچوک وطن از گرمجوشی چوک خواهد بود
پل خشتی که با هر سنگ و خشتش آشنائیهاست
سرای "شازده" مصروف دلالی و صرافیهست
پل باغ عمومی ره به سوی مندوی دارد
ز شرق و غرب کابل کوچه هارا نام بسیار است
«اسیر» این آرزو از حد فزون گردیده در جانم

به من گفتند اثر از آنهمه خوبی نمی یابی
چه درد آور اگر این آرزویم بی ثمر افتد

- 1 - گنډر سنگ تراشي
- 2 - دروازه لاورى يا لاهورى ("لاورى" يا "لورى" به هندی "آهنگر" را ميگویند)
- 3 - منظور از "شمردن" است

(فرانکفورت - المان ، 23 اکتوبر 2009 م)